

شیرینی آن را به مردم نشان داد و بعد از آن به سراغ ایجاد جذابیت بیشتر در داستان‌ها و شعرهای دینی رفت.»

توصیه این فعال عرصه ادبیات به نویسندگان و شاعران جوانی که خواهان خلق آثاری با مضامین دینی هستند مطالعه بسیار است؛ توصیه‌ای که دربارۀ دیگر حوزه‌ها هم صادق است. او می‌گوید: «نکته‌ای که به آن اشاره می‌کنم تنها برای جوان‌ها نیست و سن و سال دارترهایی نظیر خود من را هم شامل می‌شود؛ اینکه کتاب زیاد بخواند، چراکه دانسته‌های بسیار در نوشته‌ها و سروده‌های صاحب اثر سرریز می‌شود و کار ارزشمندی پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. متأسفانه برخی نویسندگان در حالی به سراغ این حوزه می‌روند که حتی مهم‌ترین آثار

دینی‌مان را آن‌طور که باید نخوانده‌اند. از سوی دیگر تقسیم‌بندی‌های گذشته را بازنگری کنند؛ فکر نکنند تنها وقتی کار ادبی-دینی کرده‌اند که درباره بزرگان دینی و رخدادهای تاریخی بنویسند.»

از مواردی که طی دهه‌های اخیر در حوزه‌هایی همچون ادبیات دینی به آنها نقد وارد شده بحث رواج سفارشی‌نویسی به‌عنوان عاملی منفی در ارتقای هرچه بیشتر این حوزه عنوان شده است. هرچند که نظر آمینی نسبت به ذات سفارشی‌نویسی برای هیچ حوزه‌ای منفی نیست. او می‌گوید: «سفارشی‌نویسی به ذات خود اتفاق بدی نیست؛ آنچنان که خیلی از آثار ماندگار در عرصه ادبیات و همچنین هنر جهان از این طریق خلق شده و به یادگار مانده‌اند.»

باین‌حال به نوشته‌ها و سروده‌های جوانان امیدوار

است و تأکید دارد در همین شرایط فعلی هم آثار بسیار خوب و ارزشمندی منتشر می‌شود. این نویسنده و شاعر ادامه می‌دهد: «از بهترین نمونه‌های آثاری که طی چند دهه اخیر با بهره‌گیری از متون مقدسی همچون قرآن نوشته شده‌اند می‌توان به داستان راستان شهید مطهری اشاره کرد. بعید می‌دانم کسی این کتاب را بخواند و از آن لذت نبرد؛ اثری خواندنی که درعین حال تأثیر خوبی هم بر ذهن مخاطبان به جای می‌گذارد.»

اما نکته‌ای که در ابتدا هم به آن اشاره شد و اسماعیلی با تأکید دوباره‌ای از آن می‌گوید به برخی بی‌توجهی‌های فعالان این حوزه بازمی‌گردد؛ او می‌گوید: «در ارتباط با ادبیات دینی، رخدادهای دینی و نوشتن از بزرگانمان همه کاری نیست که

■ **در مورد اسامی ای که در پایین تابلوهايتان نوشتيد، اسمي به‌نام «جون» ديدم يعني چه؟**

«جون» غلام ابوذر بود. ابوذر این غلام را به امام حسن مجتبی (ع) می‌بخشد. بعد از شهادت امام حسن (ع)، غلام به حضرت سیدالشهدا بخشيده می‌شود. سیستم غلام و کنیزک در آن زمان بوده، حتی امام هم او را آزاد می‌کرده نمی‌رفته و به نوعی به اهل بیت ارادت و شوق خدمت داشتند. خودشان با عشق شدید می‌خواستند خدمت کنند. روز عاشورا «جون» به آقا می‌گوید اجازه بدهید من فدای شما شوم. امام حسین (ع) می‌فرمایند تو آزادی. از ازل هم آزاد بودی خودت خواستی بمانی. زندگی‌ات را برادر و برو. «جون» گریه می‌کند و می‌گوید نکند من سیاهم و بدنام بوی بد می‌دهد نمی‌خواهید من با شما یک جا به شهادت برسم. امام حسین (ع) اجازه می‌دهند و او شهید می‌شود. اینجاست که فرق تفکر اهل بیت معین می‌شود که فرقی بین فرزند و غلام نیست. در روز عاشورا خیلی‌ها کشته شدند وعزیز بودند. اما امام حسین (ع) دو جا صورت به‌صورت شهید گذاشت. یکی وقتی که حضرت علی اکبر (ع) شهید می‌شود و دیگری صورت به‌صورت «جون» می‌گذارد. بنی اسد وقتی جنازه‌ها را جمع می‌کردند، دیدند بجز قتلگاه جایی خیلی معطر است، که همان بدن «جون» بود.

■ **بعضي از تابلوهاي شما گويای همه چيز هست اما بعضي‌هاي ديگر بايد از اسامي پايين تابلو معنا را فهميد مثل تابلوی «بعد فاطمه»، به نظر مي‌رسد اين تابلوها با اسامي معنايشان بيشتر مشخص مي‌شود؟**

ما چون محدودیت نشان دادن چهره داریم گاهی اسم‌ها کمک ما می‌کند.

■ **ابوالله چیست؟**

«ابوالله ما ننسی حسینا» یعنی به خدای زهر(س) ما هرگز حسین (ع) را فراموش نمی‌کنیم. داستان آن‌هم امان‌نامه‌ای است که حضرت عباس (ع) برای شمر می‌آورد. شب تاسوعا دم غروب صدای نجسی می‌آید که به عباس و برادرانش می‌گوید تو سه برادر و مادرت که از قبیله بنی کلاب از قبیله ما هستی در امانید بپایید پیش ما. حضرت عباس (ع) برمی‌گردد سمت خیمه امام حسین (ع). امام حسین (ع) می‌گوید آنکه ما را صدا می‌کند ولو فاسق هم باشد جوابش را بده. حضرت عباس (ع) می‌رود و امان‌نامه را پاره می‌کند و می‌گوید من که غلام پیامبر (ص) هستم، امان‌نامه داشته باشم ولی پسر حضرت زهر(اس) نداشته باشه. بعد به خیمه امام نمی‌رود. گریه‌امانش را می‌برد و حضرت زینب(س) به حضرت عباس (ع) می‌گوید که من دیدم نامه را چگونه پاره کردی، روی ما را سفید کردی.

■ **چه شد که دو تابلوی ورودی نمایشگاه را در ابعاد بسیار بزرگ کار کردید؟**

مگر می‌شود برای حضرت عباس (ع) کار کوچک کرد!

■ **آیا نمایشگاه شما را با قشرهای مذهبی می‌توان دید یا سایر اقشار جامعه هم از آن دیدن می‌کنند؟**

بله بقیه هم می‌آیند. روح‌الامین خودش مهم نیست. به او برای این نگاه می‌کنند چون برای امام حسین (ع) کار کرده است. کسی که امام حسین (ع) را دوست داشته باشد دیگر مذهبی و غیر مذهبی ندارد.

■ **در مورد تابلویی که در سریال آقازاده هست، بگویید؟**

دوسال پیش تابلوی اصحاب کساء را کار کردم. به من گفتند که حامد عنقا این کار را می‌خواهد. چون می‌شناختمش تابلو را به او فروختم. کارهایم را به هر کسی نمی‌فروشم. بعداً با اینکه تابلو را از من خریده بود از من اجازه گرفت تا در قیلمش استفاده کند و من هم گفتم این مال شماسه. هر جا خواستید استفاده کنید. این سریال خیلی در دیده شدن تابلو تأثیر داشت و شاید معروف‌ترین اثر مجموعه باشد. خیلی هم شنیدم که گفته‌اند من پول زیادی دارم تا کارم نشان داده شود در صورتی که این‌طور نبود. تنها چیزی که بین ما رد و بدل شد یک استکان چای بود که آن هم حامد عنقا به من داد.



«رستاخیز»

کرده است. در نهایت علی است که هامون سرگشته و تا دم مرگ رفته را نجات می‌دهد و به زندگی برمی‌گردد. فیلم، درباره همه نسخه‌های فلسفی و مذهبی، تماشاگرش را به بازگشت به خویشتن خویش دعوت می‌کند.

«خیلی دور، خیلی نزدیک» (رضا میرکریمی)



«مریم مقدس»

وبی‌قراری حمید هامون (خسرو شکیبایی) مفهومی فلسفی دارد، او در جست‌وجوی کشف معنای زندگی است، در این سفر پرتلاطم برای رسیدن به آرامش و خوشبختی، مراد او علی عابدینی است، علی دست هامون را می‌گیرد، او را به مذهب، گذشته و باورهای وصل می‌کند که هامون فراموش

واقعاً نخواهد اثر بخرد این دقت را دارد. روی سخمه به کسانی که با برنامه‌ریزی خرید می‌کنند و قیمت را بالا می‌برند، نیست. من تا زمانی که کار می‌کنم معتقدم کارهایی که برای اهل بیت هست باید خیلی روی آن کار شود و با دقت کافی انجام شود و تکنولوژی ساختن یک اثر را داشته باشد، اما در مورد کارهایی که خارج از موضوع اهل بیت هم هست باید طوری کشیده شود که به مخاطب احترام گذارد.

■ **فروش آثارتان خوب است؟**

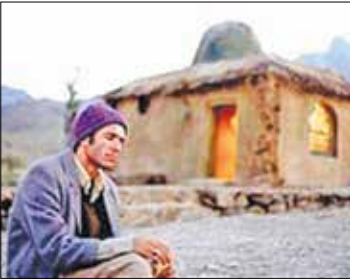
شکر خدا بلیه.

■ **معمولاً هنرمندان تجسمی از فروش آثارشان راضی نیستند؟**

کلا هنرمندان راضی نیستند. بخزند راضی نیستند، نخرند هم همین‌طور.

■ **درست است که حسن روح‌الامین را قبل از حراج هم با آثارش می‌شناختند، مواقید که حراج تهران بر شهرت شما افزود؟**

بله تأثیر دارد. اما ما دچار یک باایکوت شدید خبری هستیم، تشبیه خوب من این است که شما دور کندوی زنبور را دیده‌اید که ۲۰ تا زنبور دور آن می‌چرخند وتشبیه بد را هم به عهده مخاطب می‌گذارم، این کندوی زنبور که گفتم یعنی همیشه جمعه‌ها در گالری‌های مختلف بروید یکسری آدم هستند که همیشه از یک گالری به گالری دیگری می‌روند. مثل تماشاگرنماها. یکسری هم استادان و همکاران من هستند که هیچ کدامشان اینجا



«قدمگاه»

■ **دوباره نگاه کن**

تصویر مذهب در سینمای ایران به آثاری که ظاهر مذهبی دارند خلاصه نمی‌شود. «هامون» ساخته داریوش مهرجویی اگر چه ظاهراً درامی است درباره وضعیت روشنفکران در جامعه ایرانی، اما لایه‌های عمیق مذهبی و فلسفی دارد. بحران هویت

هست و در حراج دی ماه جوان‌ها هم راه پیدا کردند.

■ **سابقه نداشت که در چنین حراج‌هایی کسی که نقاشی مذهبی می‌کشد وارد شود و آثارش با قیمت کمینه وارد شود اما با تفاوت بسیار چشمگیری رکورد بشکند و شگفتی ساز شود. چه شد که چنین اتفاقی افتاد؟ آیا رویکردها تغییر کرده‌اند؟**

نه رویکردها تغییر نکرده‌اند. من تا به حال حراج تهران نرفتم و هیچ حراجی هم شرکت نکردم. آنچه احساس می‌کنم این است که حراج تهران یک سیستم اقتصادی دارد. گاهی می‌خرند به‌خاطر موضوعی که پشت آن اثر است و گاهی هم اثری می‌خرند و اصلاً کاری ندارند که چیست؟ دلایل مختلفی برای فروش اثر در حراج وجود دارد. گاهی کار بی‌ارزشی یک‌دفعه گران می‌شود. نمی‌توان گفت که حتماً کاری ارزشمند بوده که یک‌دفعه گران شده است. گاهی هم خریداری هست که دوست دارد از آن هنرمند کار بخرد.

■ **در مورد اثر خودتان چه نظری دارید؟**

من همیشه معتقدم کاری که روی دیوار گذاشته می‌شود اول باید به مخاطب احترام بگذارد یعنی روی آن کار کرده باشی و زحمت کشیده شده باشد. وقتی این اتفاق بیفتد مخاطب هم برای کار ارزش می‌گذارد. کار حراج من هیچ ربطی به اهل بیت نداشت. یکی از دلایلی که برخی کارهای نمایشگاه‌های مختلف به فروش نمی‌رسد این است که مخاطب اثر می‌بیند که هیچ اعجاز و جذابیتی در اثر وجود ندارد. کسی که



«محمد رسول الله»

حاتمی‌کیا) تصویری از نیستانی در آتش و اسبی سفید می‌بینیم که اشاره‌ای مستقیم به ماجرای کربلا و شهادت امام حسین (ع) است. سینمای دفاع مقدس به دلیل پیوندی که با مذهب و مایه‌های دینی دارد، فصل‌های پرشماری دارد که به مقدسات و فرهنگ شیعی در آن اشاره می‌شود.

ایرج نعیمیابی موسیقیدان و پژوهشگر موسیقی در گفت‌وگو با «ایران»

از محتوا و شاخصه تولید آثار موسیقایی مذهبی و دینی می‌گوید

با کلام نمی‌توان موسیقی را تطهیر کرد

شده کم ارزش و زودگذر هستند و در آذهان مردم باقی نمی‌ماند و بل به آن سپرده نمی‌شود و تاریخ مصرف خواهد داشت و بالعکس خواهید دید موسیقی‌هایی که در زمینه دینی و مذهبی تولید شده و از قدیم باقی مانده همچنان شنیدنی است و به دلیل رعایت قواعد درست موسیقایی در ذهن مردم باقی مانده است.»

او در ادامه تأکید کرد: «تناسب فرم، محتوا، بیان و زبان علت ماندگار نشدن این آثار بوده چرا که ملودی‌هایی که برای آن کلام مقدس در نظر گرفته شده یک ترکیب و وصله نامیمون است که به نظر من برای شنونده لذت‌بخش نخواهد بود و بار دیگر می‌گویم اگر موسیقی تناسب زیبا و کاملی داشته باشد در ذهن باقی خواهد ماند. مانند موسیقی ساده و روان فیلم امام علی (ع) ساخته آقای فرهاد فخرالدینی که تناسب به زیبایی در آن رعایت شده و لذت بخش بوده و به‌حافظه مردم هم سپرده شده است و با شنیدن این موسیقی موضوع فیلم هم تداعی می‌شود. اما در مقابل موسیقی‌های دیگری هم هست که حتی یک بار شنیدن آن عذاب‌آور است و علت اصلی آن علاوه بر مشکلات فنی و آهنگسازی، مبحث محتوایی هم می‌تواند باشد و این موضوع یکی از مباحث عمده‌ای است که در این دو- سه دهه اخیر درباره موسیقی آیینی به آن پرداخته می‌شود و این ضعف‌ها همچنان دیده می‌شود و تناسب فرم و محتوا در آن رعایت نمی‌شود. این در حالی است که در ملودی‌های گذشته بویژه آثاری که در زمینه مناسب‌های دینی ساخته شده مانند موسیقی‌های مقامی و نواحی این نکات به درستی لحاظ شده است و در این موسیقی‌ها تناسب به لحاظ محتوا و نسبت ملودیک با محتوا باشد و خود دارد و اگر شعر مناسب هم بر آن افزوده شود کامل‌تر خواهد بود اما برخی از دوستان بر این نظردند با افزودن شعر روی محتوای بی‌تناسب می‌توان آن را موسیقی مذهبی عنوان نمود و باز هم تأکید می‌کنم کلام موسیقی را تطهیر نمی‌کند و تناسب ایجاد نمی‌شود چرا که در خود موسیقی حرف‌های بسیاری نهفته است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.» او در پاسخ به این سؤال که بررسی و کارشناسی این موسیقی‌ها بر عهده چه کسی است، گفت: «در ابتدا باید بگویم تولید این آثار باید از روی علاقه و عشق انجام بگیرد و دیگر اینکه کسانی که ملودی و کارفرمای این موضوعات هستند باید تخصص پرداختن به این نوع موسیقی‌ها را داشته باشد اما متأسفانه کارشناسان ما که در مصادر این نوع کارها قرار گرفته‌اند و مسئولیت‌تمیز، تشخیص و ممیزی این آثار را بر عهده دارند، عموماً افرادی کم‌توان یا ناتوان هستند



«اخیراً بسیاری از دوستان یک سری کلام مقدس روی موسیقی قرار داده‌اند که اگر روی همان موسیقی کلام دیگری قرار بگیرد معنای متفاوتی پیدا می‌کند، در واقع این دوستان بر این نظردند با کلام می‌توان موسیقی را تطهیر یا تناسب ایجاد کنند اما همان‌طور که اشاره شد شخصیت‌های دینی ما قداست خاصی دارند و اگر توانیم با فرم و ملودی مناسب این بار معنایی را بیاین کنیم، قطعاً نحن متفاوتی ارائه خواهیم‌داد.»

او اظهار کرد: «موسیقی دینی و آیینی انواع گوناگونی دارد مانند موسیقی‌ای که در اعیاد و عروسی‌ها شنیده می‌شود یا موسیقی‌هایی که در مراسم عزاداری و سوگاری‌ها مورد استفاده است یا موسیقی جنگ، کار و...» هر کدام با زبان و کلام خاص خود بیان می‌شوند. در واقع موسیقی زبان و بیان است اما همه مردم به لحاظ سمعی با این بیان آشنا نیستند و قطعاً کسانی که بیشتر یا موسیقی سرور کار دارند بهتر می‌توانند معنای ملودیک و آواها را متوجه شوند.» ایرج نعیمیابی درباره علت ماندگار شدن موسیقی‌های دینی و آیینی گفت: «اگر بر این فرض باشیم برای موسیقی که موضوع آن جشن و پایکوبی است کلمه مقدس استفاده شود، نامو محتوای آن را نمی‌توان موسیقی آیینی و مذهبی عنوان نهاد، مبحثی که به غلط شاهد آن هستیم و به همین سبب است که در سال‌های اخیر آثار بی‌کیفیت و بی‌معنای موسیقی دینی معرفی می‌شوند و برای مقدسات ساخته

معنای زندگی و مذهب را بیاموزد. او که برای پوشیدن لباس روحانیت دچار تردید شده بود، در آشنایی با تعدادی از مردم طبقه فرودست که درگیر مشکلات زندگی هستند، معنای خدمت به خلق (به‌عنوان آموزه‌ای دینی) را تجربه کرد. منوچهر محمدی تهیه‌کننده «زیر نور ماه» و بسیاری از آثار مذهبی از این دست، در «طلا و مس» در قالب یک درام اجتماعی، دوباره مضمون خدمت به خلق را مطرح کرد و سویی‌های دیگر از دینداری و مذهبی بودن را به تصویر کشید. سید رضا (بهرزور شعبی) روحانی جوان «طلا و مس» همچون سید حسن در «زیر نورماه» گاهی در مسیرش دچار تردید می‌شود اما در فصل پایانی فیلم و جایی که او کفش‌های طلبه‌های دیگر را جفت می‌کند، مفهوم خاکساری، تواضع و خدمت به خلق تجلی می‌یابد.

فیلمی عمیقاً مذهبی است. فیلم در لایه اول قصه دکتر عالم (مسعود رایگان) را روایت می‌کند که درگیر زندگی حرفه‌ای و فردی خود است و از خانواده و فرزندش فاصله دارد. سفر دکتر عالم برای دیدن فرزندش، او را در مسیری برای کشف و شهود قرار می‌دهد. سکاسن پایانی فیلم، اشاره‌ای مستقیم به معجزه دارد و البته پیش از آن، فیلم برای این رویداد بزرگ زمینه‌چینی کرده است. فیلم، از تحول دکتر عالم در پس این سفر و گیر افتادن در کویر، حرفی به میان نمی‌آورد و اجازه می‌دهد تماشاگر مفهوم ایمان و معجزه را درک کند، اما به نظر می‌رسد مسیر زندگی او، پس از این سفر و همشنیستی با شخصیت‌های مختلف و پشت سر گذاشتن تجربه‌ای شایبه مرگ، مانند قبل نباشد. طلبه جوان فیلم دیگر میرکریمی، «زیر نورماه» هم مانند دکتر عالم باید سفر می‌کرد تا